



په اروپا کې د مینځته افغانانو د ټولنو فدراسیون  
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

## اعلامیه

مؤرخ ۲۰۱۲/۰۴/۰۸

گرایش به عقب که در سال ۱۳۸۶ آغاز یافت با سرعت بیشتر ادامه دارد!  
سال ۱۳۹۰ برای حقوق بشر در افغانستان سال گرایش بیشتر به عقب بود!

" حرکت گوک مانند انکشاف حقوق بشر در افغانستان طی سال اخیر ترس و تشویشی را برجسته میسازد که در مورد آینده افغانستان موجود است. "... اساسیترین حقوق هنوز برای بسیاری از افغانها به واقعیت تبدیل نشده است. کشور از تخلفات فارغ از حسابدهی رنج میبرد، حاکمیت قانون موجود نیست، حکومتداری ضعیف است، قوانین و پالیسیهای که به زنان صدمه میزنند ایجاد میگردند، به افراد ملکی حمله میشود و فساد بیاد میزند. " براد آ دمس رئیس بخش آسیا در سازمان جهانی دیده بان حقوق بشر "

### نقش جنگسالاران و جنایتسالاران در ارگانهای دولتی:

پالیسی حکومت افغانستان مبنی بر دادن میدان وسیع و آزاد به جنگسالاران و جانان جنگی شناخته شده و ناقضین حقوق بشر ادامه دارد. از جانب دیگر به سیاسیون و پولدارانیکه آغشته به فساد اندف موقف فوق قانون داده است. ادامه این حالت باعث پائین رفتن درجه اعتبار حکومت در نزد مردم افغانستان شده است. این پالیسی یکی از علل اساسی مضمّن بودن سایر عیوب این دولت چون فقدان حاکمیت قانون و فساد لجام گسیخته در سر تا پای رژیم حاکم شده است.

### انتخابات قلابی پارلمانی و درگیری نزع میان قوای سه گانه دولت بالای نتایج آن:

انتخابات مملو از فساد سپتمبر سال ۱۳۹۰ که بنا بر بی امنیتی شدید در چندین ولایت افغانستان نمیتوانست به نتایج بیلانس شده و متناسب به واقعیت دموکرافیک کشور بوجود بیانجامد، باعث رویاروی قوای اجرائیه و مقننه شد. رئیس دولت از نفوذ خویش بر قوه قضائیه استفاده نمود. جسارت جنگسالاران و مافیا سالاران راه یافته به پارلمان از یکسو و پافشاری قوه اجرائیه بر برقرار ساختن یک تناسب نسبی به شیوه سازش فیودالی برون از انتخابات، ثبات کشور را با خطر نابودی مواجه ساخت. این نزاع قدرت بالای یک انتخابات که اساساً در شرایط امنیتی نامناسب و برای مصرف تبلیغاتی کشورهای غربی دایر شده بود، بر ذهنیت مردم نسبت به اصل حاکمیت انتخابی و شیوه دموکراتیک قانونگذاری تأثیر منفی میگذارد و مردم آهسته آهسته به همه چیز بی باور میشوند.

### عواقب سروصدهای حکومت و دوستان بین المللی اش در مورد صلح و ناشفاف بودن این پروسه:

سروصدا های مبنی بر مذاکرات صلح با طالبان که از دیر زمانی از طرف حکومت تبلیغ و از طرف طالبان رد میشد، بالاخره با اعلان سال ۲۰۱۴ بحیث سال تکمیل خروج قوای خارجی از افغانستان توسط ناتو، اوج بیشتر یافت. "لویه جرگه صلح" و "شورای عالی صلح" ابزاری بودند که حکومت خواست از طریق آن آرای مردم افغانستان را کنار گذاشته انحصار تعیین شرایط صلح و مذاکره با نیروهای مسلح مخالف را برای همان حلقه چندصد نفر تنظیمی-مافیائی که هم حکومت و هم اپوزیسیون رسمی را در دست دارند، نگهدارد. از جانب دیگر کوشش های جداگانه که ایالات متحده امریکا برای مذاکرات با طالبان در قطر بر راه انداخته است، اگر از لحاظ ترکیب طرفین مذاکرات در همین سطح مانده و مردم افغانستان از طریق نمایندگان ائتلاف مختلف در جامعه مدنی در آن سهیم نشود، به همان اندازه شورای صلح کرزی دور از آرا صاحبان اصلی این کشور و ضد دموکراتیک میباشد.

غوغای مذاکرات و خروج نیروهای خارجی در اواخر سال ۱۳۹۰ بحدی قوی شد که در میان مردم و بخصوص برخی حلقه ها و ائتلاف معین ترس و تشویش زیاد ایجاد گردید.

ترس عمومی ازین وجود دارد که غربیها را مشکلات اقتصادی شان و اداریه ترک افغانستان در شرایطی بسازد که هنوز نیروهای امنیتی افغان از لحاظ تسلیحات، دسپلین و مورال ملی هنوز درسطی نباشند که از امنیت داخلی و خارجی

دیانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

کشور دفاع کنند و جنرالان تنظیمی در خطوط تنظیمی-قومی قبلی خویش جنگ داخلی دیگری را در کشور بر راه اندازند. کاهش قيم ملکيتهاي غيرمنقول و خروج سرمايه از افغانستان طی ماه های اخير ناشی از همين تشويش ميباشد. البته غربيهای طی ده سال موجوديت خویش نخواستند افغانستان را از لحاظ اقتصادی نیز در سمت رشد مستقل و پايدار سوق دهند. برعکس اقتصاد ما امروزه به پذيرتراز هر زمان ديگر است. اگر از بيکاري نيم نفوس کشور که همين اکنون به آن مواجه ميباشيم بگذريم، اقتصاد مصنوعي کنونی بر دوپايه نا هنجار استوار است. برای تقويه پایه عنعنوی اقتصاد ملی ما يعنی زراعت هيچ پروگرام ارزشمندي عملی نشد. کمکهای کم ارزش خارجی نیز توسط دزدان حاکم چپاول شد. اکنون زراعت عنعنوی جای خود را عمدتاً به کشت ترياک خالی کرده است. بنابراین یک پایه اقتصاد ما ترياک و پایه دومی دالر است. با خروج نيروهای خارجی پایه دومی در حد سقوط ضعيف ميگردد. و خطر اين سقوط برای کشور ما بيشتر از خطر خروج عساکر خارجی ميباشد.

ترس از اينکه قيمت صلح با طالبان با سازش در رابطه با تضمينهای که برای حقوق اساسی اتباع و بخصوص حقوق زنان در قانون اساسی فعلی وجود دارد، پرداخته شود، نیز یک تشويش عمومی ميباشد. اضطراب از دست دادن مجدد اساسی ترين حقوق انسانی خواب را از چشم زنان افغان بخصوص زنان شهری ربوده است. گروه های سپاه پوش مرکب از طالبان پاکستانی، همين اکنون در برخی ولسوالیهای نورستان طول ريش و نوع لباس مردان را تعيين نموده زنان را زندانی چهارديوارخانه ساخته اند. اگر به جناح دولتی افغانستان نظری اندازيم ديده ميشود که پروسه طالبانيزه سازی افغانستان از اين طريق نیز آغاز شده است. پيشنهادهای اخير شورای علما مبنی بر آياتيد زنان و مردان در محيط کار و تحصيل و ضرورت همراهی زن توسط مردم محرم در برون از منزل انسان را بيباد مقررات "رياست امر بالمعروف طالبان می اندازد. تائيد اين پيشنهادهای توسط حامد کرزی عمق بحران در جبهه دولت را نیز بخوبی آشکار مي سازد.

#### عدم رسيدگی به جنايات جنگی و نقض حقوق بشر در گذشته:

با کنار گذاشتن خواست مردم برای رسيدگی به جنايات جنگی و نقض حقوق بشر (واقع شده از کودتای ثور ۱۳۵۷ بدینسو)، دولت فعلی افغانستان خود به منبع موارد جديد جنايات جنگی و نقض حقوق بشر تبديل گرديده است. حالا که دولت با تمامی ارکان و عناصرش در حال پوره کردن وقت "دوره انتقال جديد" (این اصطلاح درين روزها در کابل معمول شده است)، دوسيه جنايات جنگی و نقض حقوق بشر همچنان از دستی به دست ديگر، به آرشیف های فراموشی انتقال ميابد. ورژيم فعلی فعالانه از آنعده از جانیانی که در خارج از کشور به نحوی از انحا با عواقب اعمال گذشته خود مواجه ميشوند، در سطح کابينه بديفاع ميپردازد. (رجوع شود به پاراگراف پنجم تطبيق عدالت انتقالی سرگوب نشده در اقصاء نقاط افغانستان به اشکال مختلف بروز ميکند. گردهمائی بزرگ اخير درخواست که به ابتکار جامعه مدنی صورت گرفته بود، تازه ترين گواه اين ادعا است. براد آدمس درين زمينه مينويسد: " افغانها خواستار عدالت و حسابدهی از جنايات گذشته ميباشند. ولی دولت فعلی افغانستان و پشتيبانان بين المللی اش، بخصوص ایالات متحده به تقويه همان جنگسالاران و ناقضين حقوق بشر که افغانستان را تا اين سطح بربادی کشانده اند، ميپردازد. حسابدهی عنصر مهم صلح دوامدار است."

#### حمله به افراد و اهداف ملکی:

مطابق کنوانسيونهای ۱۹۹۴ بشردوستانه ژنيو، حمله به افراد ملکی از هر جانی که باشد در حوزه جنايات جنگی مطالعه ميگردد. در سال ۱۳۹۰ اين جنايات بطرز گسترده و متوالی از سوی تمام جوانب درگير عملی شده است. قرار احصائيه يوناما قتل ۲۳۳۲ افراد ملکی که ۷۷ فيصد تمام مرگ افراد ملکی را در برميگيرد توسط نيروهای مسلح ضد دولت (طالبان، حقانی و حزب اسلامی) صورت گرفته است. ۴۱۰ قتل افراد ملکی يعنی ۱۴ فيصد توسط نيروهای طرفدار دولت (ناتو، آيساف، دولت) صورت پذيرفته است. قرار اين احصائيه ۲۷۹ قتل (۹ فيصد) را نميتوان بطور مستند به هيچ طرف درگير نسبت داد. احصائيه فوق الذکر توسط دولت و طالبان رد شده است. ناتو سکوت اختيار کرده است. برای مردم افغانستان خون هر فرد بيگناه افغان ارزش بی نهايت زياد دارد. به حیات انسانها بايد احترام گذاشته شود. هر نيروی جنگی که با تخلف از مواد کنوانسيونهای بشردوستانه ۱۹۴۹ ملل متحد، به حیات افغانهای ملکی با بی اعتنائی برخورد ميکند، مستوجب مجازات است. فرقی نميکند که اين نيرو دولتی و ناتو است یا متعلق به گروه های مسلح ضد دولت ميباشد.

#### استفاده از اطفال برای حملات انتحاری:

در حالیکه جهان غرب در ساحة تبليغاتی مصوف مبارزه با استفاده از اطفال در جنگهای قدرت و جنگهای ترياک در افريقا ميباشند، در افغانستان، در کشوریکه ناتو هنوز هم مسؤليت امنیتی قسمتی زيادی از آن را دارد، اطفال برای حملات انتحاری بکار گرفته ميشوند ولی مرتکبين اين جنايت بزرگ یا آزادانه گشت و گذار ميکنند و يا اگر تصادفاً زندانی شوند، در بدل رشوه یا امتيازات استخباراتی از زندانها رها ميشوند. استفاده از اطفال معصوم بعنوان حمله کننده انتحاری در جهان امروز یک جنايت آشکار تلقی ميگردد. مسؤليت ارتکاب اين جنايت را طالبان و ساير نيروهای مخالف دولت و حاميان خارجی شان منجمله شان پاکستان و ايران دارند. ولی مسؤليت عدم مبارزه قانونی با اين جنايت بزرگ را دولت فعلی و حاميان بين المللی اش دارند.

### شکنجه متهم در هنگام تحقیق:

اکثریت ملل جهان کنوانسیون منع شکنجه را امضا کرده اند. افغانستان نیز در جمع امضا کنندگان نامش به ثبت رسیده است. اما متکی به اسناد و مدارک می توان ادعا کرد که نه تنها در زندان بگرام که مربوط به امریکایی هاست بلکه در شعبات تحقیق متعلق به ریاست عمومی امنیت ملی و اکثر زندان های دولت افغانستان نیز مخالفین سیاسی، مورد شکنجه روانی و جسمانی قرار داده می شوند. همچنان مخالفین دولت افراد محلی را که به اتهام ارتباط با خارجی ها دستگیر میکنند وحشیانه شکنجه کرده و اکثراً به جزا های غیر انسانی محکوم میکنند. تخلف از کنوانسیون بین المللی منع شکنجه یک جرم بین المللی بوده هر کشور جهان میتواند فردی را که مرتکب این جنایت شده باشد، به جزای اعمالش برساند.

### وضع زندانها:

بر علاوه مشکل شکنجه در زندانهای دولتی که قبلاً به آن اشاره شد، مشکل تراکم محبوسین در زندانها نیز در حد قابل تشویش رشد میکند. طبق احصائیه یوناما محبس مرکزی پل چرخ که در سال ۲۰۰۱ فقط ۶۰۰ زندانی داشت، در سال ۱۳۹۰ تعداد زندانیان به بیش از ۱۹۰۰۰ زندانی رسید. قراریکه میدانیم زندان پل چرخ گنجایش بیشتر از سه هزار زندان را در یک وقت نداشته و ادامه تراکم فعلی وضع زندان را از لحاظ نظافت، صحت عامه و سایر معیارها به حالت افتضاح دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق قابل مقایسه خواهد ساخت.

### چه باید کرد؟

وضعیت افغانستان از لحاظ حقوق بشری خیلی قابل تشویش است. روز بروز گراف نقض حقوق بشر و جنایات جنگی بالا میرود. ما به این باوریم تا یک حاکمیت مؤثر ملی متکی به مردم، متشکل از افراد قاطع و معتقد به دموکراسی و عدالت و قانونیت بوجود نیاید، نه به جنایات جنگی گذشته رسیدگی خواهد شد و نه در صعود گراف بحرانی شدن وضع حقوق بشر در افغانستان تغییری خواهد آمد.

(کمیته حقوق بشر فارو)